

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ



مجموعه پرسش‌های چهارگزینه‌ای
طبقه‌بندی شده متون فقه جزایی



مؤلف:

مهدی نریمان‌پور

انتشارات چتر دانش

- سرشناسه: نریمان پور، مهدی، ۱۳۷۱-
- عنوان و نام پدیدآور: مجموعه پرسش‌های چهارگزینه‌ای طبقه‌بندی‌شده
متون فقه جزایی / تدوین مهدی نریمان پور.
- مشخصات نشر: تهران: چتر دانش، ۱۳۹۸.
- مشخصات ظاهری: ۲۲۸ ص.
- شابک: ۶-۳۸۸-۴۱۰-۶۰۰-۹۷۸
- وضعیت فهرست نویسی: فیپا
- موضوع: حقوق جزا (فقه) -- ایران -- راهنمای آموزشی (عالی)
- موضوع: Crime law (Islamic law) -- Iran -- Study and teaching (Higher)
- موضوع: حقوق جزا (فقه) -- ایران -- آزمون‌ها و تمرین‌ها (عالی)
- موضوع:
Criminal law (Islamic law) -- Iran -- Examinations, questions, etc. (Higher)
- رده بندی کنگره: BP۱۹۵
- رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۷۵
- شماره کتابشناسی ملی: ۶۰۳۵۳۸۲

- نام کتاب: مجموعه پرسش‌های چهارگزینه‌ای طبقه‌بندی‌شده متون فقه جزایی
- ناشر: چتر دانش
- مؤلف: مهدی نریمان پور
- نوبت و سال چاپ: اول - ۱۳۹۸
- شمارگان: ۱۰۰۰
- شابک: ۶-۳۸۸-۴۱۰-۶۰۰-۹۷۸
- قیمت: ۱۳۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمینیری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرتعدادترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه‌ی آموزشی عالی آزاد چتر دانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی، بیش از پیش به منصفه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

بخش اول: سؤالات ۷

فصل ۱: حدود ۹

فصل ۲: قصاص ۶۵

فصل ۳: دیات ۸۹

فصل ۴: قضاء ۹۹

فصل ۵: شهادات ۱۱۹

بخش دوم: پاسخنامه ۱۲۹

فصل ۱: حدود ۱۳۱

فصل ۲: قصاص ۱۷۱

فصل ۳: دیات ۱۸۷

فصل ۴: قضاء ۱۹۷

فصل ۵: شهادات ۲۱۹

بسمه تعالی

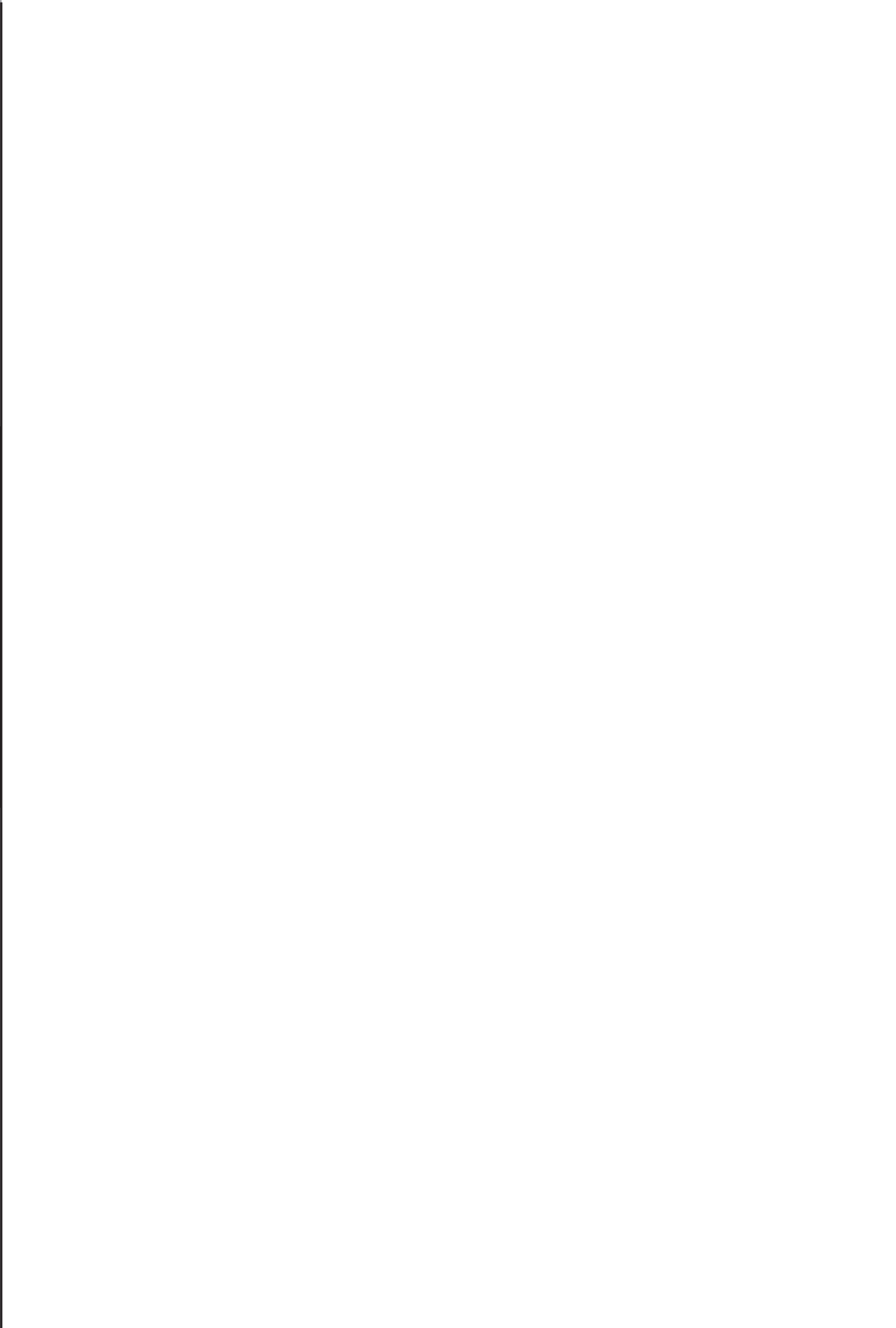
کتاب حاضر، مجموعه پرسش‌های طبقه‌بندی‌شده فقه جزایی است که شامل پرسش‌های مباحث جزا از جمله حدود، قصاص، دیات، قضاء و شهادت می‌شود. مباحث مذکور بر اساس کتاب «الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية» تألیف شهید ثانی است که سال‌هاست کتاب درسی حوزویان و دانشگاهیان است. پرسش‌های این کتاب تألیفی و طبقه‌بندی‌شده و به‌ترتیب مسائل طرح‌شده در باب‌های مذکور است، بنابراین پرسش‌ها پراکنده و مشتت نیستند. از مزایای این‌گونه پرسش‌ها این است که علاوه بر بیان نکات مسئله مورد مطالعه، به درک مسئله مورد مطالعه و جوانب آن نیز کمک می‌کند و جنبه آموزشی آن بیشتر است. پرسش‌ها در پنج باب ارائه شده و پاسخ‌نامه پرسش‌ها نیز به‌صورت کاملاً تشریحی آورده شده است.

از ویژگی‌های این کتاب می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ۱- ارائه پاسخ‌های کافی و مناسب؛
- ۲- گستردگی مسائل و مباحث تست‌ها به‌گونه‌ای که به مواردی اشاره شده است که با این که نکات مهمی هستند، ولی غالباً از آن‌ها غفلت صورت می‌گیرد؛
- ۳- توجه به جنبه آموزش و یادگیری مسائل؛
- ۴- ارائه نمونه پرسش‌ها از سال‌های گذشته در آخر فصل‌ها برای آشنایی با سؤالات کنکور و مقایسه آن با پرسش‌های تألیف‌شده.

مهدی نریمان‌پور

۱۳۹۸





بخش اول سؤالات

حدود

فصل

١ لماذا عنوان الشهيد باب «الحدود و التعزيرات» بكتاب الحدود لا

باب الحدود و التعزيرات؟

الف) لأنّ الحدّ تارة يذكر في مقابل التعزير و اخرى في مقابل سائر الكتب طبقاً لقاعدة «إذا اجتمعا افترقا و اذا افترقا اجتمعا.»

ب) لأنّ يطلق الحدّ على التعزير لغتاً.

ج) لأنّ الحدّ و التعزير مترادفان لغتاً إن كان مغايران في الاصطلاح.

د) كافة الموارد.

٢ ما هو الفرق بين الحدّ و التعزير؟

الف) الحدّ و التعزير مترادفان لغتاً و اصطلاحاً.

ب) إنّ كل ما له عقوبة مقدّرة يسمّى حدّاً و ما ليس كذلك يسمّى تعزيراً.

ج) إنّ كل ما له عقوبة مقدّرة يسمّى تعزيراً و ما ليس كذلك يسمّى حدّاً.

د) الحدود و التعزير مترادفان لأنّهما عقوبة في اللغة و الاصطلاح.

٣ ما هو الصحيح؟

الف) الشرائط العامة للتكليف قد كانت ملحوظاً في الزنا الموجب للحدّ.

ب) لو أولج الصبي لم يُحدّ لغتاً و لا اصطلاحاً.

ج) إذا لم يتحقّق الشرائط العامّة في الزاني لم يصدق الزنا اصلاً.

د) الشرائط العامّة للتكليف كانت ملحوظة في الزنا الموجب للحدّ و كذا في

صدق الزنا.

٤ ما هو دور الشرائط العامّة للتكليف في الزنا؟

- (الف) إنهم شرائط صدق الزنا.
 (ب) إنهم شرائط صدق الزنا و الزنا الموجب للحدّ.
 (ج) إنهم شرائط الزنا الموجب للحدّ.
 (د) إنّ بعضهم شرط لصدق الزنا و بعضهم شرط للزنا الموجب للحدّ.

٥ يُحدّ الزاني.....

- (الف) إنّ كان الزاني و المزني ذا الشرائط العامّة للتكليف.
 (ب) إنّ كان الزاني ذا الشرائط العامّة وإن لم يكن المزني كذلك.
 (ج) إنّ كان الايلاج في قبّلها.
 (د) إنّ كانت المزني حيّة.

٦ من شرائط الزنا الموجب للحدّ: كون المرأة محرّمة عليه.....

- (الف) عارضاً كالمظاهرة.
 (ب) اصالتاً، مثلها المظاهرة و المولى فيها.
 (ج) سواء كان اصالتاً أو عارضاً.
 (د) و غير معقود عليها و به يخرج الحرمة العارضة.

٧ ما هو مفهوم الشبهة التي تدرء الحدود بها؟

- (الف) ما اوجب ظنّ الاباحة. (ب) مجرد احتمال الاباحة.
 (ج) مجرد عدم المحرميّة. (د) كافة الموارد.

٨ طبقاً لمادة ١٢١ من قانون العقوبات.....

- (الف) مجرد احتمال الشبهة يكفي في رفع الحدّ الا ما استثني.
 (ب) الاحتمال او الظنّ المرجوح لم يكن معتبر.
 (ج) مجرد احتمال الاباحة يكفي في رفع كل الحدود بلا استثناء.
 (د) اختار قانون العقوبات مجرد الاحتمال الا في القذف.

٩ تشير العبارة «لو جهلّ التحريم ابتداءً لقرب عهده بالدين» الى اى

قاعدة من القواعد الفقهيّة أو القانونيّة؟

- (الف) تشير الى قاعدة «الجهل بالقانون ليس بعذر».
 (ب) تشير الى قاعدة «اشتراك العالم و الجاهل في الاحكام الواقعية».
 (ج) تشير الى قاعدة «يعذر الجاهل بالقانون».
 (د) كافة الموارد.

١٥ ما هو رأى الشهيد الثانى في التفريق بين «الشبهة رافع للحدود»

و «الجهل بالتحريم لقرب عهده بالدين رافع للحدود»؟

- (الف) ليس بفرق لانّ الشبهة يطلق على ما يعمّ الجاهل بالتحريم.
 (ب) التفريق بينهما اولى لانّ يختلف منشئهما وإنّ أخذَ في مفهومهما الجهل.
 (ج) يفرّق بانّ الشبهة الرافعة موافق للاصول العامّة لكن الجهل بتحريم استثناء من قاعدة «الجهل بالقانون ليس بعذر».
 (د) الشبهة تجامع العلم بتحريم الزنا لكن في الجهل بالتحريم لا يعلم اصل تحريم الزنا.

۱۱) **يمكن الاشكال في اشتراط تعدد مجالس الاقرار بالزنا بان**

- (الف) لزوم تأخير البيان عن وقت الخطاب.
 (ب) لزوم تأخير البيان عن وقت الحاجة تبعاً لاطلاق خبر جميل.
 (ج) لا دليل له و عدم الدليل دليل عدم.
 (د) اشتراطه مخالف لمقتضى اطلاق خبر جميل فلو اشترط لزوم تأخير البيان عن وقت الخطاب.

۱۲) **با التفات بر دو روایت ذیل کدام گزینه صحیح است؟**

خبر جميل: لا یرجم الزاني حتى یقرّ أربع مرّات و خبر ماعز بن مالک الانصاری، الذي اقرّ بالزنا فی المجالس المتعدّدة فی حضور النبي ﷺ، قال النبي ﷺ لعَلک قبلت او غمزت، او نظرت.

- (الف) میان این دو روایت تعارض وجود دارد؛ بنابراین هر دو روایت به خاطر تعارض از حجیت ساقط می‌شوند.
 (ب) میان این دو روایت، گرچه دلالتاً تعارض وجود دارد، لکن چون خبر ماعز ضعیف است، به خبر جميل عمل می‌کنیم.
 (ج) میان این دو روایت دلالتاً تعارضی وجود ندارد؛ چراکه روایت دوم بیانگر اشتراط مجالس اقرار نیست، بلکه غرض نبی اکرم ﷺ و وصول به حد معتبر در اقرار است.
 (د) تعارض میان این دو روایت از قبیل اطلاق و تقييد است و خبر ماعز اطلاق خبر جميل را تقييد می‌زند.

۱۳) **با التفات بر دو روایتی که گذشت کدام گزینه صحیح است؟**

(الف) روایت ماعز بن مالک مؤید خبر جميل مبنی بر اعتبار تعدد اقرار تا

چهار مرتبه است.

(ب) نسبت میان این دو روایت از قبیل اطلاق و تقیید است؛ بنابراین حمل مطلق بر مقید می‌کنیم.

(ج) با فرض ثبوت اشتراط اعتبار تعدد اقرار در مجالس متعدد با استناد به روایت ماعز بن مالک، نسبت میان این دو روایت از قبیل اطلاق و تقیید است، لکن در این صورت منجر به تأخیر بیان از وقت خطاب خواهد شد.

(د) تعارض میان این دو روایت از قبیل تعارض‌های مستقر است؛ در نتیجه هر دو روایت از اعتبار ساقط می‌شوند.

۱۴

در اقرار اُخرس به زنا کدام یک از گزینه‌های ذیل صحیح است؟

(الف) حاکم در بدو امر باید اخذ به مترجم کند.

(ب) چون مترجمان شهادت بر زنا می‌دهند؛ در نتیجه لازم است که تعداد مترجمان چهار نفر باشد.

(ج) اخذ به مترجم در صورتی لازم است که حاکم اقرار اُخرس را متوجه نباشد.

(د) در اقرار اُخرس به زنا، چهار مرتبه اقرار معتبر نیست؛ بلکه صرف فهم یقینی حاکم مبنی بر ثبوت زنا، در جریان حد کافی است.

۱۵

کدام یک از گزینه‌های ذیل، مصداق مناسبی برای قاعده «الحدود

تدرء بالشبهات» است؟

(الف) شخصی ادعا می‌کند که چون تازه به اسلام گرویده است، آگاهی نسبت به احکام اسلام ندارد.

(ب) شخصی ادعا می‌کند که در بلاد و قصبات و قریه‌های دور زندگی

می‌کند؛ لذا به احکام اسلامی آگاه نیست.

(ج) شخصی ادعا می‌کند که چون بی‌سواد است، نسبت به احکام اسلامی

آگاهی ندارد؛ گرچه در میان جامعه مسلمین زندگی می‌کند.

(د) شخصی با ظن به اینکه مزنی زوجه او است، اقدام به جماع کند.

۱۶ ما هو الصحيح؟

(الف) اعتبار البلوغ و العقل اّما یتّم فی تحقّق زنی الفاعل.

(ب) یجب علی المرأة فقط الحدّ فی وطء الصبی وإن کان مکرهتاً.

(ج) تحقّق الزنا یعمّ ایلاج الخنثی.

(د) ایجاب الحدّ فی اقرار بالزنا الی امرأة معینة یتوقّف علی تعدّده ولو کان

قاصراً عن اربع مرّات.

۱۷ اگر شخصی به زنا با زن معینی اقرار کند در ثبوت حد قذف بر

مُقر، میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. استدلال مخالفین حد قذف

به چه کیفیتی است؟

(الف) چون مرأه محصنه نبوده است؛ بنابراین وجهی برای ثبوت حد نیست.

(ب) ادله‌ای که حد را برای شخص قاذف ثابت می‌کند، ناتمام است.

(ج) اصل قذف ثابت است، لکن به ادله خارجی، این قسم از عموم ادله قذف

خارج است.

(د) چون زنای زانی مستلزم تحقق زنا با شخص مزنی نیست.

۱۸ مقصود از عبارت «العامّ لایستلزم الخاصّ» چیست؟

(الف) دلیل عام کلیه مصادیق خود را شامل نمی‌شود.

- (ب) دلیل عام بر دلیل مخصص حمل نمی‌شود.
 (ج) عام اعم است از خاص، ممکن است دلالت بر خاص داشته باشد و ممکن است دلالتی نداشته باشد.
 (د) ملازمه‌ای میان دلیل عام و دلیل مخصص وجود ندارد.

۱۹ در عبارت «لو نسب المقر الزنا الى امره معيّنة وجب حدّ القذف الا ان يدّعي ما يوجب انتفاء حدّ الزنا عن المرأة كالاكراه عملاً بالعموم» مصداق عموم کدام یک از آیات ذیل است؟

- (الف) الرَّانِيَةُ وَالرَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ.
 (ب) وَالَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءٍ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً.
 (ج) إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا...
 (د) تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ.

۲۰ مراد از کلمه «الفرية» در عبارت «لو شهد به اقل من النصاب حدّوا للفرية» چیست و مستند آن کدام آیه شریفه است؟

- (الف) دوری و فرار از حقیقت - فَفَرُّوا إِلَى اللَّهِ.
 (ب) فریفتن - عَرَّثَهُمُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا.
 (ج) دروغ بزرگ - وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ.
 (د) فریفتن - فَفَرُّوا إِلَى اللَّهِ.

۳۱ در متن سؤال ۲۰ مراد از «حُدّوا» کدامین حد است؟

- الف) حد زناى غير محصنه
- ب) حد زناى محصنه
- ج) تعزير چون از تعزير، تعبير به حد هم در آيات و هم در روايات وارد شده است.
- د) قذف

۳۲ عبارت «كالميل في المكحلة» در مبحث زنا متضمن چه مفهومی است؟

- الف) ايلاج و ادخال بايد كامل باشد؛ بنابراین به مقدار حشفه كافي نيست.
- ب) مواردی از قبيل تفخيذ مفيد ثبوت حد زنا و ساير حدود نيست.
- ج) شهادت شهود بايد بر ايلاج باشد؛ بنابراین اگر شهادت بر ادخال نباشد، زنا ثابت نيست.
- د) شهادت شهود بايد به قدری دقيق باشد كه حتى به لحاظ زمانى و مكانى نيز اختلافى مشاهده نشود.

۳۳ در کدام گزینه شرایط شهادت بر زنا از نظر شهيد به‌طور دقيق

- ذکر شده است؟
- الف) شهادت بر ايلاج و ادخال، عدم علم به وجود اسباب تحليل، اتفاق بر زمان و مكان معين.
- ب) شهادت بر زنا، عدم علم به وجود اسباب تحليل، اتفاق بر زمان و مكان معين.
- ج) شهادت بر ايلاج، عدم علم به وجود اسباب تحليل.

د) شهادت بر زنا و ایلاج به انضمام قول به عدم علم به وجود اسباب تحلیل و اتفاق بر زمان و مکان معین.

۲۴ کدام گزینه صحیح است؟

الف) اگر شهود شهادت بر ایلاج و ادخال بدهند بدون اینکه بگویند «علم به سبب تحلیل نداریم» زنا ثابت است.

ب) اگر شهود شهادت بر ایلاج و ادخال بدهند و بگویند «علم به سبب تحلیل نداریم» گرچه وحدت زمانی و مکانی را هم نگویند، زنا ثابت است.

ج) اگر شهود شهادت بر ایلاج و ادخال بدهند و بگویند «علم به سبب تحلیل نداریم» و همچنین بگویند «وحدت زمانی و مکانی وجود دارد» زنا ثابت است.

د) اگر شهود شهادت بر زنا بدهند و بگویند «علم به سبب تحلیل نداریم» و همچنین بگویند «وحدت زمانی و مکانی وجود دارد» زنا ثابت است.

۲۵ کدام یک از شرایط ذیل در شهادت بر زنا محل اختلاف است؟

الف) شهادت بر ایلاج، چراکه صرف شهادت بر زنا کافی است.

ب) ذکر عدم علم به سبب تحلیل؛ چراکه شرط است که شهود به علم به نبود سبب تحلیل تصریح کنند.

ج) ذکر سبب تحلیل؛ چون ذکر صرف عدم علم به سبب تحلیل کافی نیست.

د) ذکر ثبوت ایلاج در زمان و مکان واحد.

۲۶ کیفیت شرطیت دو شرط عدم علم به سبب تحلیل و وحدت

زمانی و مکانی در شهادت بر زنا چگونه است؟

- الف) ذکر این دو شرط به نحو صریح در ضمن شهادت بر زنا.
 ب) مکفی بودن علم حاکم به آن دو شرط ولو در ضمن شهادت ذکر نشود.
 ج) ذکر صریح در ضمن شهادت، عدم نیاز به ذکر در ضمن شهادت.
 د) نیاز نداشتن به ذکر آن در ضمن شهادت، ذکر صریح در ضمن شهادت.

۲۷ هل يشترط حضور الشهود في مجلس الحكم دفعة قبل اجتماعهم

علی الاقامة؟

- الف) نعم، للنص.
 ب) لا، لتحقق الشهادة المتفقة.
 ج) نعم، للاحتياط.
 د) لا، لضعف سند ما يستند اليه من الاخبار.

۲۸ با توجه به عبارت «لو تلاحقوا و اتّصلت شهادتهم بحيث لم يحصل

التأخير» کدام گزینه صحیح نیست؟

- الف) علی اشتراط حضورهم في مجلس الحكم دفعة يحدّون.
 ب) علی عدم اشتراط حضورهم في مجلس الحكم دفعة يحدّون مطلقاً.
 ج) علی عدم اشتراط حضورهم في مجلس الحكم دفعة و نظراً الى فقد شرط الاجتماع حالة الاقامة دفعة يحدّون.
 د) علی عدم اشتراط حضورهم في مجلس الحكم دفعة و انتفاء العلة الموجبة للاجتماع يحدّون.

٢٩ مقصود از «تقادم الزنا» چیست؟

- الف) تراخی شهود
- ب) مرور زمان
- ج) تراخی شهود به انضمام مرور زمان
- د) تعدد زنا با یک شخص معین

٣٥ ما هو الخطأ؟

- الف) یقده تقادم شهادة الشهود في الحدود.
- ب) ليس في الحدود نظر ساعة.
- ج) لم يشترط حضور الشهود في مجلس الحكم دفعة قبل اجتماعهم على الإقامة.
- د) تلاحق الشهود لم يقده الشهادة اذا لم يحصل التأخير عرفاً.

٣١ اذا الزاني او الزانية تاب بعد البيّنة.....

- الف) لم يسقط الحدّ للاصل.
- ب) يسقط الحدّ.
- ج) يتخيّر الامام في العفو و الإقامة.
- د) سقوط الحدّ منوط بتقادم الشهادة.

٣٢ کدام گزینہ صحیح نیست؟

- الف) استدلال بعض الفقهاء على رفع الحكم في زنى الذمي بمسلمة جهالتاً بحكم الاسلام بقاعدة «تدرء الحدود بالشبهة».
- ب) استدلال بعض الفقهاء على ثبوت الحكم في زنى الذمي بمسلمة جهالتاً

- بحکم الاسلام بعموم ادلة الموجب لحدّ القتل.
- (ج) يقتل الزاني المُكره للمرأة و يمكن الحاق الصغيرة بالمرأة استناداً الى فقد النصّ.
- (د) يمكن أن يقال: يلحق الصغيرة بالمرأة اذا كان الزاني مكرهاً للمزني لأنّ الفعل افحش، لهذا، التحريم اقوى.

۳۳ ما هو رأى ابن ادریس نظراً الى قول المصنّف: يجمع الزاني بين

الجلد ثم القتل على الاقوى^۱ في الزنا الموجب للقتل؟

- (الف) الجمع المذكور كان جمعاً بين الادلة يعني الآية الشريفة و الروايات التي دلّت على القتل.
- (ب) لا دليل له لانه تحكّم بل الأخذ بالآية الشريفة.
- (ج) إنّ كانوا محصنين جلدوا ثمّ رجموا و إنّ كان غير محصنين جلدوا ثمّ قتلوا.
- (د) إنّ كانوا غير محصنين جلدوا ثمّ رجموا و إنّ كان محصنين جلدوا ثمّ قتلوا.

۳۴ مفهوم مُحصن چیست؟

- (الف) محصن کسی است که ضمن بالغ، عاقل و حر بودن، دارای مملوک به عقد دایم، با تمکن از اصابت به قبل و دبر باشد.
- (ب) محصن کسی است که بالغ، عاقل و حر باشد و دارای زوجه با تمکن از اصابت به قبل و دبر وی باشد.
- (ج) محصن کسی است که بالغ، عاقل و حر باشد و دارای مملوک به عقد دایم با تمکن از اصابت به قبل باشد.

د) محصن کسی است که بالغ و عاقل باشد و دارای مملوک به عقد دایم با تمکن از اصابت به قبل باشد.

۳۵ نقش عقل در تحقق مفهوم احسان چگونه است؟

- الف) صرفاً در طرف واطی ضروری است؛ لکن در موطوءه لازم نیست.
 ب) هم در واطی و هم در موطوءه لازم است.
 ج) در موطوءه لازم است؛ ولی در واطی لازم نیست.
 د) نه در واطی و نه در موطوءه لازم نیست.

۳۶ شرطیت بلوغ در تحقق مفهوم احسان در مرد چگونه است؟

- الف) نه در واطی و نه در موطوءه لازم نیست.
 ب) در موطوءه لازم است؛ ولی در واطی نه.
 ج) در واطی لازم است؛ ولی در موطوءه لازم نیست.
 د) در هر دو واطی و موطوءه لازم است.

۳۷ نقش عقل و بلوغ در تحقق مفهوم احسان در زن چگونه است؟

- الف) بلوغ شرط است؛ لکن عقل شرط نیست.
 ب) بلوغ و عقل هر دو شرط است؛ لکن در واطی هیچ کدام شرط نیست.
 ج) بلوغ و عقل هر دو شرط است؛ لکن در واطی صرفاً بلوغ شرط است.
 د) بلوغ و عقل هر دو شرط است؛ لکن در واطی صرفاً عقل شرط است.

۳۸ کیفیت شرطیت اصابت در فرج زن در تحقق مفهوم احسان

چگونه است؟

الف) اصابت باید ثابت گردد؛ بنابراین صرفاً با ادعا حکم به احسان نمی شود.

- (ب) اصابت نیازی به احراز ندارد؛ بلکه صرف تحقق مملوکیت کافی است.
- (ج) اصابت باید محرز شود و در صورت نبود بینة، وی باید سوگند یاد کند.
- (د) اصابت باید محرز شود و اگر ادعایی مبنی بر عدم تمکن از اصابت داشته باشد با قسم پذیرفته می‌شود.

۳۹ فی ائی مورد من الموارد التالیة، تختلف مفهوم الاحصان عن الموارد الاخری؟

- (الف) لو نسب المقرّ الزنا الى امرأة ثبت حدّ القذف فأنّه قد رمى المحصنة.
- (ب) لا يشترط في الاحصان الاسلام.
- (ج) يشترط في الاحصان الغدوّ.
- (د) ان كانوا محصنين جُلدوا ثمّ رجموا.

۴۰ کدام گزینه صحیح نیست؟

- (الف) تمکن از وطی در تحقق احصان زوجه شرط نیست.
- (ب) اگر ذات‌الولد انکار وطی کند، احصان ثابت نمی‌شود.
- (ج) در تحقق احصان عدم طلاق شرط نیست مگر اینکه بائن باشد.
- (د) اگر عده زوجه رجعی باشد، احصان زوجه ثابت نمی‌شود، چراکه تمکن از رجوع ندارد.

۴۱ ما هی القاعدة اذا كان الحدّین اجتماعاً و یفوت أحدهما بالآخر؟

- (الف) تخیر بینهما وجوباً.
- (ب) یُبدأ بما یمکن معه الجمع وجوباً.
- (ج) یُبدأ بما یمکن معه الجمع استحباباً.

(د) تخیر بینهما استحباً.

۴۲ با التفات بر روایت نبوی ماعز در مورد فرار زانی محکوم به رجم

از حفره، کدام گزینه صحیح نیست؟

- (الف) ظاهر روایت این است که بعد از فرار از حفره حد ساقط می‌شود.
 (ب) علت حکم به پرداخت دیه از بیت‌المال با وجود خطای مردم این است که خطای مردم به‌مانند خطای حاکم است.
 (ج) این روایت نبوی که حکم به عدم اعاده شخص فراری داده است، جنبه استثنائی دارد؛ بنابراین به سایر حدود سرایت نمی‌شود.
 (د) روایت نبوی مطلق است و شامل حالتی که زنا با بینه ثابت می‌شود، نیز می‌شود.

۴۳ مقصود از محرم در عبارت «من اقسام حدّ الزنا، القتل و هو للزانی

بالمحرم» چیست؟

- (الف) محرماتی که ذاتاً حرام باشد.
 (ب) محرماتی که عارضاً حرام باشد.
 (ج) مطلق محرمات اعم از اینکه ذاتی باشد یا بالعرض.
 (د) محرماتی که عارضی باشد و از این‌گونه محرمات، صرفاً زوجه پدر و پسر مشمول حکم هستند.

۴۴ مقتضای قواعد و اصول در قلمروی حکم قتل در صورت زنا با

محارم چیست؟

- (الف) روایات منصرف به محرماتی هستند که نسبی باشد و ظاهر فتاوی هم

مؤید این حکم است.

(ب) زنی که به طریق ملاعنه حرام شده است یا به طریق طلاق به مقتضای اطلاق روایات مشمول حکم قتل هستند.

(ج) مقتضای اطلاق روایات، سرایت حکم قتل نسبت به مطلق محرمات است، خواه نسبی باشد، خواه عارضی و عارضی هم فرقی نمی‌کند که از طریق مصاهرت باشد یا رضاع و یا طرق دیگر.

(د) مقتضای اطلاق روایات، سرایت حکم قتل نسبت به مطلق محرمات است؛ ولی به‌طور قطع حرمت ناشی از ملاعنه و طلاق و لواط استثناء شده است.

۴۵ کدام یک از موارد ذیل در قول به «خروج زوجة الاب و الابن» از

حکم قتل در صورت زنا با محارم به‌عنوان اشکال وارد نیست؟

(الف) الاخبار خالية من تخصيصهم.

(ب) خالف مقتضى اطلاق الاخبار و هما يدخلان في ذات المحرم.

(ج) الحكم في الاخبار معلق على ذات المحرم.

(د) دخولهما في ذات المحرم محل اشكال بل المنع لانصراف الادلة.

۴۶ ما هو لم يكن اشكالا على دخول زوجة الاب في حكم الزاني

بالمحارم الموجب للقتل مع خروج المحارم بالمصاهرة من شمول

الحكم؟

(الف) لا دليل لدخوله في المحارم الموجب دون المحارم بالمصاهرة.

(ب) الاخبار خالية من هذا التفصيل.

(ج) ما يقال: خروج غيرهنّ بدليل آخر كالاجماع يُضَعَّف بأن لم يحقّق

الاجماع.

(د) خروج المحارم بالمصاهرة لم يكن موجودة في فتاوي الفقهاء العظام.

۴۷ کدام گزیننه صحیح نیست؟

(الف) زناى ذمى با مسلمه موجب قتل است، خواه زناى مذکور با رغبت مزنى باشد، خواه با کراهت، خواه به عقد درآورد، خواه نه.

(ب) در صورت زناى ذمى با مسلمه، حکم قتل با اسلام آوردن ذمى ساقط مى شود.

(ج) اگر ذمى اعتقاد به حلیت زن مسلمه داشته باشد، برخی از فقیهان قائل هستند که حکم قتل برداشته مى شود؛ چراکه حدود با شبهه مرتفع مى شوند.

(د) عموم ادله مثبت حکم قتل شامل زناى ذمى با مسلمه هم مى شود.

۴۸ نظر علامه حلی در رابطه با حکم تکلیفی «وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» چیست؟

(الف) يجب اعلام الناس نظراً الى الآية الشريفة «وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ».

(ب) يستحب اعلام الناس للاصل.

(ج) يكره نظراً الى الآية الشريفة المذكورة في أ.

(د) يجب اعلام الناس ارشاداً لا مولوياً.

۴۹ ما هو الصحيح نظراً الى الآية الشريفة «وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ

الْمُؤْمِنِينَ»؟

(الف) اقل عدد الطائفة، واحد لانه اقل الطائفة لغة.

(ب) اقلها ثلاثة لدلالة العرف عليه.

(ج) اقلها عشرة.

(د) اقلها واحد لهذا يحمل الأمر المطلق على اقله لاصالة البراءة من الزائد.

۵۵ مقصود از عبارت «الحدّ تاماً» در عبارت «لو زنى بها المجنون

البالغ فعليها الحدّ تاماً»؟

(الف) هو الرجم بعد الجلد

(ب) هو الجلد خاصة مائة سوط

(ج) هو الرجم

(د) هو القتل بعد أن يُحدّ

۵۶ لو زنى بالمحصنة المجنون البالغ.....

(الف) يُحدّ حدّاً تاماً بخلاف زنى العاقل بالمجنونة.

(ب) يُحدّ الجلد و كذا اذا زنى العاقل بالمجنونة.

(ج) قُتِلَ و كذا اذا زنى العاقل بالمجنونة.

(د) يحدّ حدّاً تاماً و كذا اذا زنى العاقل بالمجنونة.

۵۷ در عبارت «الجلد، الجزّ و التغريب على الذكر الحرّ غير المحصن

وإن لم يُملِكْ» مقصود از «إن لم يُملِكْ» چیست؟

(الف) الزواج من غير أن يدخل

(ب) غير المتزوج

(ج) البكر بمعنى الاعمى اى من لم يدخل سواء تزوج أم لا

(د) المتزوج الذي يدخل

۵۳ قال الشهيد الثاني في جواب استدلال الشيخ بالروایتين اى رواية الزرارة و محمد بن قيس لتخصيص التغريب بمن املك: «الروایتان مع سلامة سندها يشتملان على نفى المرأة»
 الف) عبارة «مع سلامة سندهما» مشعرة بضعف سندهما.
 ب) هاتان الروایتان يشتملان على نفى المرأة و هو خلاف الاجماع.
 ج) قول الشيخ موافق لبناء الحدّ على التخفيف.
 د) كافة الموارد.

۵۴ شهيد در نفى حكم تبعيد و تراشيدن سر زن مى فرمايند:
 «المشهور أولى بحال المرأة و صيانتها و منعها من الاتيان بمثل ما فَعَلَتْ خلافاً لابن العقيل» با التفات بر عبارت مذکور کدام گزينه صحيح نيست؟
 الف) تراشيدن موی سر و تبعيد مناسب حال زن نيست.
 ب) تراشيدن موی سر و تبعيد، اتفاقاً ممکن است وی را به فعل زشت سوق دهد.
 ج) تراشيدن موی سر و تبعيد برای زن، بازدارندگی به حساب می آید.
 د) مستند جواز تراشيدن موی سر و تبعيد زن از نظر ابن عقيل روايات است، نه عنصر بازدارندگی.

۵۵ توجه به عنصر بازدارندگی در حدود از کدام عبارت شهيددين قابل استنباط است؟
 الف) قول المشهور في نفى التغريب من المرأة أولى حيث صيانتها و منعها من الاتيان بمثل ما فَعَلَتْ.

- (ب) الجزّ حلق الرأس سواء في ذلك المُرْتَبِي و غيره وإن إنتفت الفائدة في غيره ظاهراً.
- (ج) إن رجع الزاني المَعْرَب الى ما غُرِّبَ منه قبل اكماله اعيد حتى تكملَ بايناً على ما سبق وإن طال الفصل.
- (د) كافة الموارد.

۵۶ کلمه اصل در کدام گزینه کاربرد متفاوتی نسبت به سایر گزینه‌ها

دارد؟

- (الف) لا يقدرح تقادم الزنا في صحة الشهادة للاصل.
- (ب) الضغث في الاصل، الحزمة من الشيء.
- (ج) من لا يعلم اصل تحريم الزنا.
- (د) مطلق الحدود متماثلة في اصل العقوبة.

۵۷ با التفات بر حد مريض کدام مورد صحیح نیست؟

- (الف) من شرائط الضغث، اقتضاء المصلحة التعجيل.
- (ب) لو اقتضت المصلحة تأخيره الى أن يبرأ فَعَلَ.
- (ج) لو احتمل سياطاً خفافاً فهي اولی من الضغث.
- (د) الظاهر، الاجتزاء في الضغث بمسمّى المضروب به إن لم يحصل الألم.

۵۸ با توجه به عبارت «لو شهد لها اربع بالبکارة بعد شهادة الاربعة

بالزنا قُبلاً فالاقرب درء الحدّ لتعارض الشهادات ظاهراً» کدام گزینه صحیح نیست؟

(الف) وجه جریان قاعده درء این است که میان شهود تعارض و تکاذب

حاصل شده است.

(ب) اگر شهادت شهود مقید به قُبُل نباشد، تعارض حاصل نمی‌شود؛ چون زنا به دُبُر نیز محقق می‌شود.

(ج) اگر زنان شهادت بر عیوب زن بدهند مثل اتقاء، شهود را به خاطر قذف حد می‌زنند؛ مگر اینکه مقید به قُبُل نکرده باشند.

(د) اگر زانی محبوب باشد شهود را به خاطر قذف حد می‌زنند مشروط به اینکه مقید به قُبُل کرده باشند.

۵۹ استدلال ابن جنید در رد اقامه حد با استناد به علم حاکم چیست؟

(الف) اگر حاکم به علم خود عمل کند، خود را در معرض اتهام قرار می‌دهد.

(ب) عدم عمومیت آیاتی از قبیل «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا».

(ج) اجماع متقدمین شیعه بر عدم جواز عمل به غیر علم

(د) اقوی بودن بینه بر علم

۶۰ شهید در عمل حاکم به علم خود میان حقوق الله و حقوق الناس

تفاوتی قائل نشده‌اند و می‌فرمایند: «عدم الفارق الا أنه بعد

مطالبتهم....»

(الف) وجه افتراق میان حق الله و حق الناس این است که حقوق الله متوقف بر مطالبه صاحب حق است.

(ب) فرقی میان حق الله و حق الناس نیست حتی بعد از مطالبه صاحب حق.

(ج) تنها وجه افتراق میان حقوق الله و حقوق الناس این است که در

حقوق الناس بعد از درخواست صاحب حق مبنی بر صدور حکم، قابلیت

صدور حکم و اجرا وجود دارد برخلاف حقوق الله.

د) اگر تعزیر باشد فرقی میان حق الله و حق الناس نیست، ولی اگر حد باشد عنصر مطالبه دخیل است.

۶۱ کدام یک از گزینه‌های ذیل از مستندات قول به قصاص زوج در

صورت کشتن زوجه خود که با مرد دیگری زنا می‌کند، نیست؟

الف) اصالة عدم استحقاق الزاني القتل

ب) قول سعد بن عبادة: لَمَّا قِيلَ لَهُ: لَوْ وَجَدْتَ عَلَى بطنِ امْرَأَتِكَ رجلاً مَا كُنْتَ صَانِعاً بِهِ؟ قَالَ: كُنْتُ اضْرِبُهُ بِالسِّيفِ.

ج) اصالة عدم الفعل المدعى

د) قول النبي ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدًّا وَجَعَلَ لِمَنْ تَعَدَى ذَلِكَ الْحَدَّ حَدًّا.

۶۲ با توجه به عبارت «من اقرّ بحدّ و لم يبینه ضرب حتى ينهي عن

نفسه او يبلغ المائة و قيل و هو ابن ادريس: لا ينقص عن ثمانين.»

کدام یک از گزینه‌های ذیل به عنوان اشکال بر سخنان اخیر وارد نشده است؟

الف) قول ابن ادريس محل اشکال است؛ چون با پذیرش حمل حد بر تعزیر، آنچه که میزان تعزیر را معین می‌کند صرفاً حاکم است.

ب) تقیید به صد تازیانه نیز محل اشکال است؛ چون ممکن است حد بالغ بر صد تازیانه باشد؛ چراکه ممکن است در امکانه شریفه زنا کرده باشند.

ج) اینکه با یک بار اقرار، هشتاد تازیانه می‌توان زد یا صد تازیانه، محل اشکال است؛ چون قذف و زنا به ترتیب با دو و چهار مرتبه اقرار پذیرفته می‌شود.